

جایگاه مفهوم دکترین «مسئولیت حمایت» در اصول و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حقوق اداری

کریم محمدی^۱، هیبت‌الله نژندی منش^۲، سوده شاملو^۳

چکیده

مسئولیت حمایت، یکی از قواعد اساسی در نظام حقوق بین‌الملل است که بر اساس تحولات مفاهیمی مانند حاکمیت، اصل منع مداخله و مداخله بشردوستانه ایجاد شده است. بر این اساس، مسئولیت حمایت از افراد در صورت بروز جنایت جنگی بر عهده دولت‌هاست. نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس اصل ۱۵۲، دفاع از حقوق مسلمانان و نیز برقراری روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیر محارب را از برنامه‌های سیاست خارجی ایران دانسته است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی با پیروی از مبانی دینی آموزه‌های اسلامی بر حمایت از ستم‌دیدگان و مستضعفان جهان تأکید کرده است.

اصل حمایت بعد از ظهور در عرصه بین‌المللی به حقوق داخلی کشورها راه یافت و در حقوق اداری نیز اهمیتی بسزا پیدا کرد. دلیل اهمیت اصل حمایت در حقوق اداری آن است که در حقوق اداری، یک طرف رابطه، دولت است و نابرابری در این رابطه، ذاتی است. بنابراین، جلوه‌های اصل حمایت در حقوق اداری شامل مواردی مانند لزوم رعایت اصل کرامت انسانی، اصل برابری فرصت‌ها در ورود به خدمت دولتی و نیز اصل گشایش است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که جایگاه مفهوم دکترین مسئولیت حمایت در مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: مداخله بشردوستانه، مسئولیت حمایت، جامعه بین‌المللی، مستضعفان جهان، حقوق اداری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Karim.mo-
hammad71@gmail.com

۲. استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)،
hnajandimanesh@gmail.com

۳. استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Sou.
shamlou@gmail.com

مقدمه

وقوع مخاصمات مختلف در سطح بین‌المللی سبب شد تا سازمان ملل متحد در پی چاره‌ای برای حل این معضلات باشد. کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ از جامعه جهانی خواست تا یک بار و برای همیشه، راه حلی برای این چالش پیدا کند. در پاسخ به این درخواست بود که در سال ۲۰۰۰ با ابتکار دولت کانادا، «کمیسون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت»^۱ تأسیس شد. کمیسیون در گزارش خود برای برقراری تعامل میان حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها به جای تقابل سنتی، گذر از نظام دولت‌محور به نظام فردمحور و ایجاد ساختاری قانون‌مند و کارآ برای حمایت از حقوق بشر که چالش‌های حقوقی نقض اصل حاکمیت کشورها و نفی مداخله را به همراه نداشته باشد، نظریه «مسئولیت حمایت»^۲ را مطرح کرد. این نظریه در اجلاس سران مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ تصویب شد.^۳

بر اساس این نظریه، حاکمیت یک دولت به معنای مسئولیت آن دولت است و مسئولیت اولیه حمایت از اتباع یک دولت در درجه اول بر عهده همان دولت است، اما هنگامی که دولت به حمایت از اتباع خود در برابر جنایت جنگی، پاک‌سازی قومی، نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت بی‌میل باشد، اصل عدم مداخله، جای خود را به «مسئولیت حمایت بین‌المللی» می‌دهد. در این معنا، جامعه بین‌المللی مسئولیت دارد ابتدا با به‌کارگیری روش‌های صلح‌آمیز، به دولت‌ها برای ایفای این مسئولیت یاری برساند و در صورت ناکافی بودن ابزار صلح‌آمیز و ناتوانی مقامات ملی در ایفای مسئولیتشان، اقدامات قاطع و به‌موقع انجام دهد. تثبیت این نظریه به عنوان یک هنجار بین‌المللی مستلزم آن است که به طور رسمی در قوانین حقوق بین‌الملل به ثبت برسد یا دولت‌ها با اجرای مداوم، آن را به عنوان رویه عملی جدید در روابط بین‌المللی به صورت عام بپذیرند.^۴

موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به دکترین «مسئولیت حمایت»، علاوه بر عوامل اثرگذار در

1. International Commission on Intervention and state Sovereignty (ICISS).

2. Responsibility to Protect (RtoP).

3. Outcome Document of the United Nations world summit.

۴. عبداللهی، محسن و شقایق اعطاسی، «مسئولیت حمایت در آینه عمل: تحلیلی تطبیقی - فازی اجرای مسئولیت حمایت»، سال‌نامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ۱۴۰۰، شماره ۷، ص ۳۳.

سیاست خارجی، متأثر از مبانی دینی نظام حقوقی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. جمهوری اسلامی ایران، سعادت کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. طبق اصول و مبانی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت ایران، موظف است فراتر از رسالت و اهداف ملی، برای تحقق نظام اسلامی مبتنی بر «کرامت و ارزش والای انسانی»، سیاست خارجی کشور را «بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» تنظیم کند. هم‌چنین اصل حمایت در حقوق اداری اهمیتی بسزا دارد.

در حقوق اداری، اصل حمایت از حق‌های مکتسب در کنار اصول مرتبط مانند اصل قانونی بودن و اصل دولت قانون‌مدار، اصل حقوق بنیادین تضمین شده در قانون اساسی، اصل انتظارات مشروع و اصل عطف بامسابق نشدن قابل تحلیل و بررسی است. امروزه اصل احترام به حقوق مکتسبه، یکی از مبانی اصل امنیت حقوقی است. از نظر حقوق دانان حقوق عمومی، مبنای اصل احترام به حقوق مکتسبه، دو اصل اعمال حقوق و آزادی‌های بنیادین و حمایت از حقوق ناشی از قراردادهاست.^۱

در ایران، حقوق اداری، سابقه نظری و تجربی چندانی ندارد و جوان و نوپاست، به طوری که در فضای امروزی حقوق اداری با توجه به تدوین نشدن قوانین و مقررات جامع و کامل، اصول حقوق اداری در پر کردن خلأ حقوقی به ویژه در حوزه صلاحیت‌های تخییری، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین، در مجموع، اصول حقوق اداری، یکی از کارآمدترین، مؤثرترین و مهم‌ترین معیارهای موجود در حوزه حقوق اداری است. این اصول که جنبه حمایتی دارند، راه حل‌های مناسب و مطلوبی ارائه می‌کنند، به گونه‌ای که هم در ارتباط با اداره و توازن قدرت عمومی و مصالح اداری راه‌گشایند و هم آزادی‌های افراد را تضمین می‌کنند.^۲

این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که مفهوم و محتوای دکترین «مسئولیت حمایت»

۱. ویژه، محمد رضا، «تضمین و حمایت از حق‌های مکتسب در حقوق اداری ایران و رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۴۰۰، سال هشتم، شماره ۲۶، ص ۲۷۰.

۲. تاروردی، صادق و محمدعلی فلاح‌زاده، «نقش رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در توسعه اصول حقوق اداری از منظر حقوق بشر»، فصل‌نامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و شهروندی، ۱۳۹۹، ص ۵۰۱.

تا چه حد در اصول و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و حقوق اداری ایران تبلور یافته است؟ فرضیه مقاله حاضر این است که گفتمان غالب مبانی نظری دکترین «مسئولیت حمایت»، همان گفتمان انقلاب اسلامی و دستوره‌های دین مبین اسلام است که در نظام حقوقی جمهوری ایران با عنوان اصل «حمایت از مستضعفان جهان» تبلور یافته است و در بعد داخلی نیز «اصل حمایت» از تکالیف دولت به شمار می‌رود. در عین حال، دایره شمول اجرای اصل «حمایت از مستضعفان جهان» از نظر ویژگی مردمی که هدف حمایتند و نوع حمایت، نسبت به دامنه و حدود دکترین «مسئولیت حمایت»، گسترده‌تر است. از سوی دیگر، امروزه اصل حمایت از حقوق بین‌الملل به حقوق داخلی کشورها نیز راه یافته است و در نتیجه، در رشته‌های مختلف حقوقی از جمله حقوق اداری به دلیل وجود رابطه نابرابر، اصل حمایت، اهمیتی دوچندان می‌یابد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

گفتار اول. چارچوب نظری؛ تغییر گفتمان «مداخله بشردوستانه» به «مسئولیت حمایت»

دکترین «مسئولیت حمایت»، ریشه‌های فلسفی بسیار قدیمی دارد که به نوشته‌های سیسرو در عهد عتیق باز می‌گردد و رد پای آن در عصر رنسانس در آثار گروسیوس و در دوره روشن‌گری نیز در اندیشه‌های کانت دیده می‌شود. در اواخر قرن بیستم، از این مباحث قدیمی، مفهومی با نام «مداخله بشردوستانه» سر برآورد.^۱

ناکامی نظام واکنشی سازمان ملل متحد در حفظ و پاسداری عملی از حقوق ابتدایی انسان‌ها به دلیل مواضع برخی دولت‌ها در تجویز توسل به مداخلات بشردوستانه سبب تغییر رویکرد جامعه بین‌المللی نسبت به مفهوم امنیت و لزوم توجه بیش‌تر جوامع به امنیت افراد گردید و موجب شد تا بحث از امنیت کشورها، جای خود را به امنیت انسانی دهد. ظهور نظریه «مسئولیت حمایت»، معلول تحولات جامعه بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد و تحول در مفهوم «مداخله بشردوستانه» است. این دکترین در بردارنده ایده‌هایی است که نه تنها برای انسان و حقوق آن، ارزش دیگری قائل

۱. کارولین برو، سوزان، آغاز تغییر گفتمان مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل، ترجمه: محمدرضا حسینی و صادق جعفرزاده دارابی، تهران: دانشگاه دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۷، ص ۳۱.

است، بلکه به پشتوانه سیستم امنیت جمعی در پرتو منشور سازمان ملل متحد، تلاش‌هایی را برای تضمین حفظ حقوق اساسی بشر شروع کرده است. البته نباید این تصور ایجاد شود که این دکترین بدون ایراد و نقد است.^۱ با آن که در حال حاضر، از مفهوم دکترین «مسئولیت حمایت»، کم‌تر یاد می‌شود، حقوق دانان در بعضی کشورها، هر چند وقت یک بار بر سر دامنه و حدود واقعی این مفهوم با یکدیگر مجادله می‌کنند و از عملی بودن یا نبودن آن در عالم واقع سخن می‌گویند. به همین سبب نمی‌توان دقیقاً حدی بر این مفهوم گذاشت یا دامنه آن را مشخص کرد.^۲

بند اول. مفهوم‌شناسی مسئولیت حمایت

بر اساس ضوابط حقوق بین‌الملل، مسئولیت حفظ حقوق شهروندان در یک جامعه، در درجه اول بر عهده دولتی است که بر آن جامعه حاکمیت دارد. گاهی به دلیل اختلافات نژادی، قومی، مذهبی یا سیاسی، دولت متبوع در انجام این تکلیف به صورت عمدی یا غیر عمدی، اظهار ناتوانی و بی‌رغبتی می‌کند. در این صورت، به موجب نظریه مسئولیت حمایت با تحقق شرایطی، مسئولیت حفظ و تضمین حقوق شهروندان آن جامعه به حقوق بین‌الملل منتقل خواهد شد. این نظریه که به تعریفی جدید از مسئله حاکمیت یعنی حاکمیت مسئولانه پرداخته است، بازتابی از حساسیت جامعه بین‌المللی نسبت به فجایع دل‌خراش بشری است که در دهه نود میلادی در برخی کشورها به اوج خود رسید.^۳

بنابراین، اساس شکل‌گیری دکترین مسئولیت حمایت بر این پایه استوار است که هر گاه دولتی در حفظ و پاسداری از حقوق بنیادین و اساسی بشر نسبت به شهروندان و اتباع خود عاجز بوده یا خود در این نقض دخیل باشد، با وجود بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد که بیانگر اصل عدم مداخله است، مسئولیت حمایت و پاسداری از این قبیل حقوق نقض شده به جامعه بین‌المللی محول

۱. محمدی، عقیل و مهرداد حلال خور، «دکترین مسئولیت حمایت: شکاف میان انتظارات و واقعیت‌ها»، فصل‌نامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره پنجاه و سوم، شماره ۱۴، ص ۱۶۳.

۲. فلسفی، هدایت‌الله، «شورای امنیت سازمان ملل متحد در برزخ میان ضرورت «اقدام مؤثر» و لزوم تعریف و رعایت «حکومت قانون»»، سال‌نامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ۱۴۰۰، شماره ۷، ص ۱۰.

۳. اصغری شورستانی، محمدرضا و محمدامین ابریشمی‌راد، «بررسی تطبیقی نظریه مسئولیت حمایت از منظر حقوق اسلام و غرب»، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، ۱۴۰۱، سال یازدهم، شماره ۲۱، ص ۱۰.

می‌شود.^۱ بر پایه این دکترین، دولت‌ها، حق سکوت و چشم‌پوشی در برابر نقض اساسی و بنیادین حقوق انسان‌ها را ندارند. این مرحله هنوز در مرحله دکترین باقی مانده؛ زیرا اقدام از جانب دیگران به رسمیت شناخته نشده است. اقدام از جانب دیگران به این معناست که هر دولتی حتی آن‌جا که منافع مستقیم حقوقی ندارد، می‌تواند به نیابت از دیگر دولت‌ها علیه دولت ناقض اقدام کند.^۲ در واقع، مسئولیت حمایت، راهکاری جدید، دقیق و برنامه‌ریزی شده است که جای‌گزینی مناسب برای مفهوم چالش‌برانگیز مداخله بشردوستانه باشد. مجموعه اقداماتی که به موجب این دکترین باید صورت گیرد، شامل سه بعد مسئولیت پیش‌گیری، واکنش و بازسازی است و مهم‌ترین بعد مسئولیتی همان مسئولیت پیش‌گیری است. حتی در مرحله واکنش نیز مجموعه اقدامات سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته شده است و جواز مداخله نظامی تنها در شرایط حاد به عنوان آخرین حربه و در صورت وجود معیارهایی مشخص توسط شورای امنیت داده می‌شود.^۳

بند دوم. نقش شورای امنیت در شکل‌گیری و تقویت دکترین «مسئولیت حمایت»

شورای امنیت در بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ همواره به صورت تلویحی و با استفاده از عناوین «حمایت از غیر نظامیان» یا «به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی»، از مفاهیم موجود در نظریه «مسئولیت حمایت» استفاده می‌کرد. در سال ۲۰۰۶ با وجود تلاش‌های برخی از اعضای شورای امنیت در جلوگیری از قانون‌مند شدن، نظریه «مسئولیت حمایت»، قطع‌نامه شماره ۱۶۷۴ در شورای امنیت تصویب شد.^۴ در این قطع‌نامه، مقررات بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی نشست سران جهان در سال ۲۰۰۵ در خصوص «مسئولیت حمایت» تأیید گردید. بعد از آن، شورای امنیت با صدور قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های متعدد،^۵ دکترین «مسئولیت حمایت» را تأیید کرد و در چندین قطع‌نامه که راجع به عملیات صلح سازمان ملل متحد در پی وقوع برخی بحران‌های انسانی صادر کرد، به طور خاص بر لزوم توجه مقامات ملی به «مسئولیت حمایت» تأکید ورزید.^۶ قطع‌نامه

۱. زمانی، سید قاسم و سورنا زمانیان، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران روسیه»، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۵، دوره چهارم و ششم، شماره ۳، ص ۶۴۵.

۲. نجفی اسفاد، مرتضی، «بررسی حقوقی دکترین «مسئولیت حمایت» در حقوق بین‌الملل»، در: جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌المللی در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات در تجلیل دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی)، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۲، ص ۳۲۸.

۳. دعاگو، حسین و سید محمد هاشمی، «جایگاه حقوق شهروندی کرامت‌مدار در دکترین مسئولیت حمایت در پرتو حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های اخلاقی، ۱۳۹۸، سال نهم، شماره ۴، ص ۱۱۰.

۱۹۷۳ (مارس ۲۰۱۱) شورای امنیت درباره لیبی، نقطه اوج مفهوم «مسئولیت حمایت» قلمداد شده است.

این اصول به ویژه دو اصل ۱۵۲ و ۱۵۴، تجلی «گفتمان مظلوم‌محور» انقلاب اسلامی هستند. این گفتمان، تخصیص منابع به حمایت از مظلوم را مشروعیت می‌بخشد و سیاست‌گذاران فعال در این گفتمان، تمام هم و غم و منابع خود را به حمایت از مستضعفان جهان اختصاص می‌دهند.

گفتار دوم. دکترین مسئولیت حمایت و «حمایت از مسلمانان» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

خبرگان قانون اساسی، متأثر از شریعت اسلام و ارزش‌های اعتقادی مردم، با احساس تکلیف نسبت به وضعیت کل جهان، بر جنبه جهانی بودن قانون اساسی تأکید داشتند و به این امر اذعان کردند که نسبت به تعیین سرنوشت آینده بشریت آن هم زیر لوای اصول قانون اساسی مسئولیت دارند. آنان با گنجاندن اصولی در قانون اساسی مبنی بر حمایت از همه مسلمانان و مستضعفان جهان برای برجسته‌سازی جایگاه سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش کردند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از محرومان و ستم‌دیدگان را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت می‌داند. بند ۱۶ اصل ۳، بند ۵ اصل ۲، اصل ۱۱ و اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون اساسی، مختصات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را چنین برشمرده است: «سعادت انسان در کل جامعه بشری، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان، دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان، نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کشی، نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، خودداری از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب».

دفاع از سرزمین و منافع مسلمانان، اصلی کلی در سیاست خارجی دولت اسلامی محسوب می‌شود. دولت اسلامی از نظر وظیفه اعتقادی و حفظ منافع و موجودیت خود باید از منافع و سرزمین‌های مسلمانان دفاع کند؛ زیرا صرف نظر از مسائل داخلی دنیای اسلام، تضعیف هر بخش از جامعه اسلامی و از دست رفتن آن، لطمه‌ای سنگین به دیگر اجزای آن است.^۱

۱. حقیقت، سید صادق، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶.

بند اول. «سعادت انسان در کل جامعه بشری»، آرمان نظام جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. ایران از یک طرف به عنوان عضو جامعه بین‌المللی، معتقد به «شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری» و از طرف دیگر، به عنوان عضو جامعه اسلامی بر این باور است که «همه انسان‌ها، مخلوق خداوند هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خداوند، سودمندترین آنان به هم‌نوعان خود است و هیچ‌احدی بر دیگران برتری ندارد، مگر در تقوا و کار نیکو». این تفاهم و هم‌بستگی جهانی، در اندیشه قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران که در مقام بیان سیاست خارجی بوده، تجلی یافته است. گفتمان حمایت از مستضعفان و مبارزه برای نجات ملل محروم از آرمان‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران است. تعهد عملی حمایت از مستضعفان در مقابل مستکبران، اطلاق عموم دارد و همه مستضعفان در مقابل همه مستکبران را شامل می‌شود.

بند دوم. روابط خارجی صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران.

یکی از ارزش‌ها و نیازهای ضروری انسان و شاید مهم‌ترین آن‌ها، صلح است. در حیات اجتماعی نیز صلح یک ارزش و ضرورت جامعه‌های انسانی به شمار می‌رود. در تعامل‌ها و مناسبات واحدهای سیاسی مختلف نیز صلح همواره اهمیت و ضرورت دارد که در تاریخ مدرن از آن به «صلح بین‌المللی» یاد می‌شود. از این رو، یکی از دغدغه‌های بشر در طول تاریخ، چگونگی تأمین و تضمین صلح بوده است. مفهوم صلح‌سازی، از مفاهیم کلیدی دکترین «مسئولیت حمایت» است که از نقاط قوت و وجه تمایز نظریه «مسئولیت حمایت» نسبت به «مداخله بشردوستانه» به حساب می‌آید.

جنگ و صلح از جمله موضوعاتی است که در اسلام با صراحت و تفصیل به آن پرداخته و دستورهای آن نیز در عمل به کار گرفته شده است. قرآن کریم، صلح و از بین بردن نفرت را به عنوان اقدامی برتر، فراراه روابط فردی و اجتماعی قرار داده، همه مسلمانان را به صلح و سازش دعوت کرده و از عداوت، جنگ و خون‌ریزی برحذر داشته که ناشی از وسوسه شیطانی است.^۱ با وجود مبنا قرار

۱. بقره: ۲۰۸.

گرفتن صلح، ضرورت‌های جنگی از دیدگاه شارع مقدس اسلام دور نمانده است، بلکه به جنگ برای مقابله با ظالمان ستمگر،^۱ جهاد در مقابل کسانی که مؤمنان را از دیار خود اخراج می‌کنند و به شیوه‌های مختلف، قصد محو نام خدا و جلوگیری از بیداری افکار را دارند^۲ و مبارزه در راه احقاق حقوق مستضعفان و محرومان حق طلب و رهایی آن‌ها از ظلم و نظیر آن به عنوان یک فریضه الهی مورد توجه صورت گرفته است.^۳

بند سوم. رویکرد نظری و عملی جمهوری اسلامی ایران برای اجرای دکترین «مسئولیت حمایت»

نگرانی‌های مربوط به عملیاتی کردن مسئولیت حمایت در نظام کنونی بین‌المللی، اساسی‌تر و مهم‌تر از چالش‌های مفهومی آن است. بیش‌ترین نگرانی‌های کشورهای به چگونگی اجرای آن ربط دارد. امکان سوء استفاده قدرت‌های بزرگ و استفاده گزینشی و ابزارهای شورای امنیت نیز از مهم‌ترین نگرانی‌های مربوط به عملیاتی کردن مسئولیت حمایت است.^۴

اجرای مسئولیت حمایت در جهان واقعی متأثر از اراده دولت‌هاست و همواره با خطر «ذهنیت‌گرایی یا تفسیر به رأی» مواجه خواهد بود. در اجرای مسئولیت حمایت توسط جامعه بین‌المللی، دو جنبه کلیدی وجود دارد که هر دو به اراده دولت‌ها وابسته است: «یکی، شناسایی یک موقعیت به عنوان وضعیتی که نیازمند اعمال مسئولیت حمایت است و دیگری، تصمیم‌گیری جامعه بین‌المللی برای مساعدت یا واکنش جهت پیش‌گیری یا توقف جنایات». عدم تجمیع اراده‌های سیاسی، مهم‌ترین عاملی است که در هر یک از مراحل می‌تواند مانع اجرا شود و زمینه شکست جامعه بین‌المللی را در ایفای مسئولیت حمایت فراهم آورد. اجرای ارکان مسئولیت حمایت صرف نظر از ماهیت پیش‌گیری یا واکنشی آن، مستلزم برخورداری از امکانات خاص است که کمبود یا نبودشان، جامعه بین‌المللی را در اجرای مسئولیت حمایت دچار شکست می‌کند.^۵

۱. حج: ۳۹.

۲. حج: ۴۰.

۳. نساء: ۷۵.

۴. عسکری، یدالله، «مقارنه گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی اخلاقی مسئولیت حمایت»، دو فصل‌نامه علمی و پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۴، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۲۹-۱.

۵. عبداللهی و اعطاسی، پیشین، ص ۴۶.

اجرای اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان» نیز که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده، با موانعی روبه‌روست که در مسیر اجرای «مسئولیت حمایت» وجود دارد. افزون بر این که اصل حمایت از مسلمانان و مستضعفان، ایده‌ای است که فقط در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بیان شده و در نظام بین‌الملل دولت‌محور معاصر، با چالش‌های مفهومی و اجرایی خاص خود مواجه است. از مهم‌ترین چالش‌های مفهومی و اجرایی اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان»، تعارض این اصل با اصل «حاکمیت دولت‌ها» و اصل «عدم مداخله» است.

در خصوص اجرا و اعمال اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان»، با توجه به وضعیت فعلی نظام بین‌المللی و حاکم بودن اصل «حاکمیت دولت‌ها» و اصل «عدم مداخله»، چندین دیدگاه وجود دارد: عده‌ای از تعارض میان اصل «حمایت از مستضعفان جهان» و اصل «عدم مداخله» سخن می‌گویند و اعتقاد دارند در این مسئله که حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش از نظر اسلامی اثبات شده است، تردیدی وجود ندارد. با این حال، مهم آن است که مداخله و حدود آن را ما تعیین نمی‌کنیم. در جهان معاصر، دولت‌های اسلامی در عرض دولت‌های دیگر، اعضای جامعه جهانی تلقی می‌شوند و ملاک مداخله و تعیین مصادیق آن را حقوق بین‌الملل تعیین می‌کند. در مقابل، دیدگاه دیگری نیز در این خصوص وجود دارد که براساس آن، حمایت از ملل مظلوم دنیا به این معنا نیست که جمهوری اسلامی ایران، عرف بین‌المللی مبنی بر «منع مداخله در امور دیگران» را نادیده بگیرد، بلکه برای تحقق این هدف، از سازوکارهای مورد قبول جامعه بین‌المللی استفاده خواهد کرد. در واقع، جمهوری اسلامی ایران آن دسته از حقوق و تکالیف حمایتی را در نظر می‌گیرد که حقوق بین‌الملل در حدود اهداف منشور ملل متحد به آن اشاره کرده است؛ یعنی آن دسته از شیوه‌های حمایتی که مداخله نباشد، مانند حمایت در سازمان‌های بین‌المللی، حمایت اقتصادی و سیاسی و نظیر آن.^۱

اصل حمایت از حقوق بشر و مقابله با نقض فاحش و گسترده اصول و قواعد بنیادین حقوق بشر مانند کرامت انسانی و حق حیات در اسلام و در حقوق بین‌الملل معاصر کاملاً پذیرفته شده است. با وجود اشتراک دو نظام حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی اسلام در اصل حمایت از حقوق بشر در مورد شیوه و مرجع صالح برای حمایت از حقوق بنیادین بشر، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. تفاوت‌های دو نظام

۱. جاوید، محمد جواد و عقیل محمدی، «ارزیابی قابلیت اجرایی اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حقوق بین‌الملل معاصر»، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۵، دوره چهارم و ششم، شماره ۱، ص ۶۳.

حقوقی درباره مینا و منشأ حقوق بشر، به طور طبیعی، اختلاف نظرهایی را در موضوع مسئولیت حمایت نیز موجب شده است. در نظام اسلامی، حمایت و یاری از ستم‌دیدگان و مظلومان، نه تنها حق دولت اسلامی است که حداقل از شرط تقوا و عدالت برخوردار باشد، بلکه تکلیف نیز به شمار می‌رود.^۱

گفتار سوم. جلوه‌های اعمال اصل حمایت در حقوق اداری

اصل حمایت در حقوق بین‌الملل ریشه دارد که به حقوق داخلی کشورها نیز راه یافته و جلوه‌های مختلفی پیدا کرده که دولت مکلف است آن را در حقوق اداری نیز اعمال کند.

بند اول. لزوم رعایت کرامت انسانی در نظام اداری

در حقوق اساسی ایران، تحت تأثیر آموزه‌های اسلام، همه انسان‌ها صرف نظر از دین، نژاد، رنگ، زبان، جنس و ملیت، صاحب نوعی کرامت ذاتی‌اند و در پس این کرامت، شایسته اکتساب کرامتی دیگر با عنوان کرامت اکتسابی. کرامت ذاتی انسان، مبنای حقوق پایه آدمی است و فراتر از رنگ و نژاد یا مسلک دینی و سیاسی خاص، فرد از آن برخوردار می‌شود. واژه «کرامت»، سه بار در متن قانون اساسی ایران ذکر شده است. قانون اساسی هم از حقوق بشر و هم از حقوق شهروندی سخن گفته است. شهروندان یک جامعه مدنی به میزان اصل وفاداری، علقه و رابطه استوار با نهادهای حکومتی دولت مشروع و شرکت فعال و مسئولیت‌پذیر در اداره جامعه می‌توانند از حقوق شهروندی بهره‌مند شوند. در قانون اساسی بر اتکای نظام جمهوری اسلامی ایران بر کرامت انسانی و پایه قرار گرفتن آن تصریح شده است. اصل دوم قانون اساسی هم در کنار اصول دین و مذهب، به صراحت لفظی در بند ششم، «ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» را از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی اعلام می‌کند.^۲

در حقوق اداری ایران، حقوق دفاعی به خوبی به عنوان سرآغاز تضمین حقوق ماهوی در نظر گرفته شده‌اند، اما نباید از خاطر برد که این حقوق از سوی دیگر، به طور تنگاتنگی با کرامت انسانی نیز در هم تنیده‌اند. به عبارت دیگر، چون فرد انسانی، کرامت انسانی را در اختیار دارد، حق دارد تا از

۱. حبیب‌زاده، توکل، «جهاد در مسئولیت به مفهوم اصل حمایت»، مجله حقوق عمومی، ۱۳۹۵، سال اول، شماره ۱، ص ۴۰.

۲. حبیب‌زاده، توکل و علی اصغر فرج‌پور اصل مرندی، «کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن»، مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۵، دوره ۴۶، ص ۱۳۶.

حقوق دفاعی و هم‌چنین دیگر حقوق انسانی به منظور تضمین حقوق ذاتی خود بهره‌مند گردد. در حقیقت، نقش اصلی حقوق دفاعی، دستیابی به تضمین عدالت در فرآیند دادرسی اداری، تصمیم‌گیری و هنگام رویارویی فرد با اداره است.^۱ به طور کلی، یکی از روابط میان حاکمیت قانون و حقوق اداره‌شوندگان، نقش مؤثری است که حاکمیت قانون در برقراری تضمین‌های و محدودیت‌های لازمه بر قدرت‌های اداره‌های عمومی داراست. بنابراین، شناسایی حقوق دفاعی برای افراد، امری است اساسی که یکی از عناصر برجسته مرتبط با رعایت کرامت ذاتی انسان را نیز تشکیل می‌دهد.^۲ در حقیقت، کرامت انسانی چنان اهمیت دارد که به طور قطع به عنوان پایه اساسی بسیاری از حقوق انسانی در نظر گرفته می‌شود. چون این اصل در اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی آمده، در حال حاضر، کرامت انسانی علاوه بر این که به عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حق‌های جدایی‌ناپذیر در نظر گرفته شده است، یک ستون و پایه حقوق بشر به شمار می‌رود و توسعه پایدار هر جامعه‌ای، رعایت آن را طلب می‌کند.^۳

با توجه به اهمیت اصل کرامت انسانی نمی‌توان از اثرگذاری قابل توجه یکی از مصوبات موجود در حقوق اداری ایران چشم‌پوشی کرد. مصوبه «طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع در نظام اداری» که در شورای عالی اداری (۲۵ فروردین ۱۳۸۱) به تصویب رسیده، در برگزیده نکاتی ارزنده در خصوص موضوع کرامت انسانی است؛ چون این مصوبه به شکل مستقیم در مورد اصل کرامت افراد تصویب شده است و در خصوص حقوق آن‌ها و روابط میان اداره و افراد بحث می‌کند. در هر حال و با وجود نواقصی که در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران به چشم می‌خورد، تصویب این مصوبه و صرف لزوم پرداختن به بحث کرامت اداره‌شوندگان توسط مقامات عالی‌رتبه اداری، اهمیت لزوم رعایت کرامت شهروندان را در حقوق اداری ایران بیش از پیش عیان می‌سازد.^۴

۱. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر اول)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱.

۲. مرکز مالگیری، احمد، حاکمیت قانون؛ مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰.

۳. حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی‌نژاد، «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۹۵، دوره یازدهم، شماره ۵۴، ص ۶۰.

۴. خانی‌والی‌زاده، سعید، «بررسی ارتباط رعایت حقوق دفاعی افراد و کرامت انسانی افراد در حقوق اداری ایران و فرانسه»،

الف. اطلاع‌رسانی خدمات‌دهی به مردم

منظور از اطلاعات آن چیزی است که جامعه خدمت‌گیرنده نیاز دارد در زمان مشخص از آن آگاهی یابد. منظور از اطلاع‌رسانی نیز آگاهی‌دهی دستگاه‌ها و مراکز اطلاعاتی از شیوه خدمات‌رسانی، مستندات و روش انجام کار از طریق وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌ها و فنون مختلف نشر اطلاعات است تا هر یک از مصرف‌کنندگان اطلاعات بتوانند به منبع آن اطلاع با حداقل زمان ممکن و هزینه به گونه‌ای مطلوب دسترسی داشته باشند.^۱

ب. تدوین اصول اخلاقی و رفتاری مدیران و کارکنان منشور اخلاقی

در هر سازمانی، قوانین غیر رسمی وجود دارد که رفتار افراد را هدایت می‌کند و تحریم‌های رسمی و غیر رسمی نیز وجود دارد که از آن‌ها استفاده می‌شود. منشور رفتاری یا اخلاقی، رویکردی رسمی‌تر است که در بخش خصوصی و عمومی به طور فزاینده‌ای به کار می‌رود. یکی از روش‌های قانون‌مندی رفتارها در سازمان، استفاده از منشور رفتاری، نظام‌نامه، مرام‌نامه یا منشور اخلاقی است. رعایت و حفظ ارزش‌های اخلاقی به صورت یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی درآمده است که در بیش‌تر سازمان‌ها به آن توجه می‌شود. اخلاق یعنی رعایت اصول معنوی و ارزش‌های حاکم بر رفتار شخصی یا گروه مبنی بر این که درست یا نادرست چیست. ارزش‌های اخلاقی، تعیین‌کننده استانداردهایی هستند مبنی بر این که از نظر رفتار و تصمیم‌گیری چه چیزی خوب و بد است.^۲

بند دوم. لزوم رعایت اصل برابری فرصت‌ها

مهم‌ترین مصادیق این اصل در حقوق اداری، برابری در ورود به خدمت عمومی، برابری در خدمات عمومی و اداری، برابری در مقابل تحمیل‌های ناشی از امر عمومی است. در ایران نیز رعایت نشدن برابری و تصمیم‌گیری‌های تبعیض‌آمیز مقام اداری، یکی از رایج‌ترین دلایل نقض تصمیم‌های اداری در دیوان عدالت اداری است.^۳

فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۷، سال پنجم، شماره ۱۴، ص ۳۷.

۱. عالم تبریز، اکبر و همکاران، طرح ارتقا و کرامت مردم در نظام اداری، تهران: دفتر آموزش و پژوهش استانداری، ۱۳۸۷، ص ۳۱.

۲. نجف‌پور، شعبان و علی‌رضا داداش‌زاده، «کرامت انسانی، نظام اداری و سرمایه اجتماعی»، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد، ۱۳۹۴، سال هشتم، شماره ۷۳، ص ۳۶.

۳. امامی، محمد و حمید شاکری، «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی،

«برابری فرصت‌ها»، اصطلاحی علمی و سیاسی است که آن را می‌توان برابری و تساوی همه شهروندان در دست‌یابی به فرصت و امکان بهره‌مندی از امکانات، خدمات و ثروت‌های ملی و هم‌چنین برابری قانونی آحاد ملت به معنی داشتن جایگاهی مساوی از نظر حقوقی برای بهره‌مندی از زندگی کرامت‌آمیز و هم‌چنین دست‌یابی به پیشرفت و موفقیت تعریف کرد. باید گفت اصطلاح سیاسی، «برابری فرصت» یا «فرصت برابر»، در مقایسه با اصطلاح سیاسی «برابری نتیجه» مطرح می‌گردد. در واقع، برابری نتیجه ممکن است با برخی از مفاهیم عدالت در تعارض باشد، اما فرصت برابر این تعارض‌ها را نخواهد داشت. بر اساس برابری فرصت، شهروندان می‌بایست در شرایطی برابر با هم به رقابت بپردازند. برابری فرصت ناشی از یکسان برخورد کردن با همه مردم، فارغ از موانع یا تعصب‌ها یا ترجیحات مصنوعی است تا مشاغل مهم به شایسته‌ترین‌ها تخصیص یابند. کسانی که احتمالاً قابل‌ترین‌ها در انجام یک وظیفه خاص باشند و تصادف یا وضعیت خانوادگی، دوستان، دین، جنسیت، قومیت، خویشاوندسالاری، نژاد، طبقه، سن و هویت باعث به دست آوردن آن نباشد. معمولاً طلب فرصت‌های برابر، نقطه مقابل امتیازها و محرومیت‌های مرتبط با طبقه، نژاد و جنسیت است. با تقسیم عادلانه امکانات در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌توان به نتیجه مطلوب در بهره‌گیری از فرصت‌های برابر برای همگان و نزدیک شدن به عدالت اجتماعی دست یافت.^۱

الف. برخورداری برابر از خدمات عمومی

هدف از رعایت اصل برابری، ایجاد شرایط حقوقی است که در آن، شهروندان قادر باشند از زندگی باارزش و رضایت‌بخش به طور برابر بهره‌مند باشند. بنابراین، طبق اصل برابری یا تساوی خدمات عمومی، همه افراد جامعه باید به طور یکسان و مساوی از خدمات عمومی برخوردار باشند و نباید معیارهای سیاسی، عقیدتی، نژادی یا قومی، مبنای برخورداری یا اولویت افراد در استفاده از این خدمات قرار گیرد. دولت نمی‌تواند به این بهانه‌ها میان شهروندان تبعیض قائل شود و افرادی را از خدمات عمومی محروم کند یا برای برخی دیگر در استفاده از خدمات عمومی، امتیازات خاص در نظر بگیرد.^۲

۱۳۹۴، شماره ۲، ص ۱۲۰.

۱. آل سید غفور، سید محسن و آلیس طالقانی‌زاده، «اهمیت عنصر برابری فرصت‌ها در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، مجله اسلام و علوم اجتماعی، ۱۴۰۰، شماره ۲۵، ص ۱۹۳.

۲. امامی، محمد و کوروش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۳۸۹، ص ۳۸.

اصل بی طرفی نیز در راستای اصل برابری و از توابع و نتایج آن اعلام شده است. طبق اصل بی طرفی، هر گونه جانب‌داری که منجر به تبعیض در خدمات‌رسانی عمومی گردد، ممنوع و مخالف اصل برابری است. بنابراین، کارکنان اداره می‌توانند دارای هر گونه اندیشه و عقیده‌ای باشند، ولی هنگام خدمات‌رسانی عمومی، هر گونه اعمال تبعیض به دلیل عقاید سیاسی و مذهبی توسط آن‌ها میان استفاده‌کنندگان از خدمات ممنوع است.^۱

یکی از اهداف دکرترین کارکرد عمومی، صیانت از حقوق اساسی شهروندان در بهره‌مندی از خدمات عمومی است. به عبارت دیگر، یکی از مبانی منطقی دکرترین کارکرد عمومی، نیاز به حمایت کردن از حق دسترسی مردم به خدماتی است که اساسی تلقی می‌شوند؛ زیرا دولت‌ها نه فقط باید به حقوق بشر احترام بگذارند، بلکه باید تعهدات ایجابی خود را برای حمایت از این حقوق در مقابل رفتار بازیگران غیر دولتی مفروض بدانند. طبق این دکرترین، دولت نمی‌تواند با واگذاری یک خدمت به یک بازیگر خصوصی، خود را از مسئولیت نسبت به نقض حقوق اساسی مردم توسط آن بازیگر تبرئه کند. به عبارت دیگر، با واگذاری اختیارات عمومی به گروه‌های خصوصی، از محدودیت‌های حقوق اساسی نمی‌توان غفلت کرد. برخی کارکردها، موضوع حقوق اساسی هستند، فارغ از این که چه کسی آن‌ها را انجام می‌دهد؛ زیرا قانون اساسی هم نسبت به اعمال ظاهراً خصوصی و هم نسبت به رفتارهایی اعمال خواهد شد که بی‌تردید عمومی هستند. بنابراین، وقتی یک نهاد خصوصی، وظیفه‌ای را که کارکرد عمومی یا حکومتی تلقی می‌شود، انجام می‌دهد، مثل دولت به چارچوب‌های حقوق اساسی محدود خواهد بود.^۲

صدور مجوز احداث ساختمان از سوی شهرداری در محدوده شهر از جمله خدمات عمومی است و شهرداری باید برابری شهروندان را در صدور مجوز احداث ساختمان رعایت کند. اگر اصل برابری رعایت نشود، دیوان از نظر نظارت قضایی، ضمانت اجرایی مناسب برای تضمین این اصل است. در پرونده حاضر، شهرداری در خدمات‌رسانی شهری، از صدور پروانه ساختمان برای ملکی در اطراف تهران با این استدلال خودداری کرد که ملک مورد نزاع در اطراف و خارج از حریم شهری تهران

۱. عباسی، بیژن، *حقوق اداری*، تهران: دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹.

۲. زارعی، محمدحسین و مجید نجاززاده هنجنی، «مفهوم خدمات عمومی و تحول آن در پرتو دکرترین کارکرد عمومی»، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۶، سال نوزدهم، شماره ۵۶، ص ۱۵.

بوده است و طرح تفصیلی در محدوده حریم شهر تهران وجود ندارد. این پرونده به دلیل استناد به حقوق مالکانه افراد اهمیت دارد. رأی دیوان به این شرح است: «با عنایت به سوابق امر مبنی بر این که پلاک شماره ۳۵۸۲۷ فرعی از ۱۳۸ اصلی مفروز و مجزا شده، از شماره ۹۹۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در قریه مسگرآباد دهستان غار بخش ۱۲ تهران که به ملکیت کمیته امداد امام خمینی (ره) مستقر گردیده و پلاک مزبور تعیین و از طرفی با توجه به سوابق پلاک موصوف در شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان عدالت اداری که رسیدگی و منتهی به صدور آرای عدیده‌ای که شکایت و به مرحله قطعیت و اجرا رسیده، دلالت بر آن دارد که با امعان نظر به قانون نظارت بر گسترش شهر تهران، مصوب سال ۵۲ و وظایف شهرداری به موجب بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری و تبصره‌های الحاقی به ماده ۹۹ همان قانون که در مجموع از اعمال حقوق مالکانه شاکی از حیث جهات مورد نظر برای ساخت و ساز نداشته، بنابراین، به اعتبار مستندات ابرازی، حکم به ورود شکایت و الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمانی نسبت به سهم مالکانه شاکی اعلام و صادر می‌گردد.» دیوان در این رأی به درستی به منظور برخورداری شهروندان از خدمات شهری برای مجوز ساخت و ساز و در راستای اعمال حقوق مالکانه و رعایت اصل برابری تمامی شهروندان، شهرداری را ملزم به صدور مجوز احداث ساختمان کرده است.^۱

ب. برابری در ورود به خدمت دولتی

اولین اصل مورد توجه در ورود به خدمت در یک نظام شایسته‌سالار، «برابری در دسترسی به مشاغل عمومی» یا به عبارت دقیق‌تر، «داشتن فرصت برابر در دسترسی به مشاغل» است. در واقع، چون بخش عمومی متعلق به همه افراد ملت است و هزینه‌های کارمند از ثروت عمومی پرداخت می‌شود، همه باید در شرایط برابر دارای امکانات برابر جهت دسترسی به مشاغل عمومی باشند.^۲

بنابراین، اصل برابری فرصت‌ها در راستای اصل برابری در ورود به خدمت عمومی در قانون مدیریت خدمات کشوری به رسمیت شناخته شده است و این اصل در حقوق اداری، مبنای قانونی دارد.

۱. ناصحی، میثم و همکاران، «مسئله‌یابی اصل برابری در توزیع خدمات شهری در رویه قضایی (مورد مطالعه: آرای دیوان عدالت اداری)»، مجله توسعه پایدار محیط جغرافیایی، ۱۴۰۱، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۱۸۲.

۲. محمد جلالی، فروغ حیدری، «اصل برابری ورود به خدمات عمومی در پرتو آرای دیوان عدالت اداری»، فصلنامه رأی دوره سوم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۸)، ص ۴۸.

ج. جواز اعمال تبعیض مثبت

از دیدگاه دورکین، دسته‌ای از حق‌ها، حق‌هایی هستند که مطابق آن، شهروندان باید برابر در نظر گرفته شوند؛ یعنی در اصل برابری، همه با هم برابرند. ماهیت این حق‌ها به گونه‌ای است که یا امکان توزیع برابر آن برای همه وجود ندارد یا اصولاً ضرورت در اختیار قرار دادن برابر آن‌ها برای همگان وجود ندارد. در این‌جا شناسایی برابری شهروندان مطرح است و نه رفتار برابر با آن‌ها. از سوی دیگر، مفهوم «برابر» در تعریف برابری می‌تواند مسئله دخالت دولت‌های رفاه در توزیع ثروت و توزیع امکانات اقتصادی و اجتماعی به نفع ضعیف‌ترین‌های جامعه در چارچوب مفهوم برابری را توجیه کند. هم‌چنین این مفهوم از برابری عدالت توزیعی در پیوند با مسئله تبعیض معکوس در نظر گرفته می‌شود.^۱

با این بیان که بر مبنای این تحلیل، این‌گونه تفاوت‌ها در تعارض با اصل برابری نخواهد بود، حقیقت مفهوم عدالت توزیعی، ناظر به توزیع منابع و تکالیف است که این، همان موضوعی است که قانون‌گذار اساسی ما در بند نهم از اصل سوم قانون اساسی به آن اشاره کرده که رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، مصداق بارز آن است.^۲ بند نهم اصل سوم قانون اساسی در این مقوله اهمیت بسیار دارد. نکته مهم در این بند، تأکید بر تبعیض‌های نارواست. پس تبعیض مثبت و روا و لزوم اعمال آن، در مواردی، ضروری است. از طرف دیگر، بند ۱۴ همین اصل، به تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون اشاره دارد. پس بر دو جنبه دیگر اصل برابری یعنی برابری در مقابل قانون و اصل تبعی آن، برابری در مقابل عدالت نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده‌اند. اصل بنیادین برابری در قانون اساسی، اصل بیستم است. این اصل بر برابری همه شهروندان در مقابل قانون تأکید کرده و این حمایت را به تمامی حقوق متصور برای آن‌ها تعمیم داده است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد با تأکید فراوانی که قانون اساسی بر برابری در شقوق مختلف دارد، بتوان چنین نتیجه گرفت که برابری و منع تبعیض ناروا، یکی از مبانی مهم این قانون و غایت حمایت از حقوق شهروندان به شمار می‌رود.

۱. اسدی، مسلم، چگونگی رعایت اصل برابری و ممنوعیت تبعیض ناروا در حقوق اداری ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۹۱، ص ۱۵.

۲. گرجی ازندریانی، علی اکبر و نیک‌زاد مرادی، «برابری در استفاده از خدمات عمومی در آرای دیوان عدالت اداری»، مجله حقوق اداری، ۱۳۹۳، سال دوم، شماره ۵، ص ۳۵.

دیوان عدالت اداری در برخی از دادنامه‌ها، اختصاص سهمیه به گروهی از شهروندان را در صورتی که امتیاز دادن خاص به آن‌ها نباشد، تبعیض قلمداد نکرده است. برای مثال، در دادنامه شماره ۸۰۴/۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ دیوان، اختصاص سهمیه‌های جداگانه برای مناطق محروم و نیازمند کشور در پذیرش دستیار تخصصی، تبعیض ناروا شمرده نشده است. اگر این اختصاص سهمیه متضمن جواز تعیین امتیاز خاص برای مشاغل مدیریتی در پذیرش دستیار تخصصی در رشته‌های بالینی باشد، چون این امتیازات خاص مدیریتی نافه اعتبار اولویت افراد از نظر نتایج علمی آزمون است، از مصادیق تبعیض ناروا میان داوطلبان شرکت در آزمون پذیرش دستیار تخصصی محسوب می‌شود.^۱

بند سوم. تکلیف دولت در رفع فقر

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، راهکارهایی مبتنی بر اندیشه دولت رفاه به منظور فقرزدایی در پیش گرفته شده است که می‌توان با رصد کمیّت و کیفیت دو عنصر فقر و رفاه در جامعه ادعا کرد که تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده‌اند. از نگاه برخی از اندیشمندان، نظریه دولت رفاه در قانون اساسی ایران قابل برداشت است و گواه آنان نیز اصولی هم چون بند ۲ و ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی است که درباره آموزش و پرورش رایگان، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه از طریق ضوابط اساسی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه را از وظایف دولت دانسته است. بند یک و دو از اصل ۴۳ نیز تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک و پوشاک و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه را از اصول اقتصادی جمهوری اسلامی ایران شمرده است.^۲

با در نظر داشتن رویکردهای قانون اساسی به فقر می‌توان تعهد دولت به فقرزدایی را در سه گروه اصلی تقسیم‌بندی و بررسی کرد:

دسته اول - راهکارهای ساختاری که به آسیب‌شناسی ساختاری نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

۱. ویژه، محمدرضا و مرتضی نجابت‌خواه، «تحلیل مفهوم تبعیض ناروا با تأکید بر رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۷، ص ۱۸۲.

۲. حبیب‌نژاد، سید احمد و مرضیه سلمانی، «نسبت‌سنجی نظریه دولت رفاه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فقرزدایی»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۹، سال دوم، ص ۶۵.

پرداخته و سپس راهکاری متناسب با نظام موجود ارائه می‌دهد که بر عهده دولت است.
دسته دوم - راهکارهای هنجاری که نظام هنجاری را مطالعه و آسیب‌شناسی می‌کند و برای اصلاح قوانین با هدف فقرزدایی، پیشنهادهایی می‌دهد.

دسته سوم - راهکارهای رفتاری که از بعد رفتاری، علل و عوامل ایجاد فقر را می‌یابد و راهکاری برای اصلاح و مبارزه با رفتارهای اشتباه و فقرزدا بیان می‌کند.

تبعیض مثبت را با این جمله که هیچ نابرابری را نباید تحمل کرد، مگر آن‌که در راستای تأمین اصول عدالت باشد، می‌توان توجیه کرد. به این ترتیب، کاهش فقر نیز جز با حمایت اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه به صورت هدفمند و مستمر امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، رویکرد قابلیت‌برافزایش‌توان‌مندی‌های زنان، کودکان و معلولان جامعه که به طور کلی، از آسیب‌پذیرترین اقشار در جامعه هستند، تأکید دارد. محروم شدن زنان از حق اشتغال یا سهم نابرابر آن‌ها در ورود به بازار کار و به‌کارگیری سیاست‌های خیریه‌ای همانند کمک‌هزینه‌های ناچیزی که بعضی نهادهای حمایتی می‌دهند، تنها درمان موقتی برای فقر زنان است و نمی‌تواند راهکاری مؤثر برای رفع فقر در طول زمان باشد.^۱

بند چهارم. اصل گشایش در حقوق اداری

گشایش به این معناست که اقداماتی که دولت برای انجام وظایف خود در پیش می‌گیرد، تا حد ممکن شفاف باشد و مشارکت بخش عمومی را به همراه داشته باشد، به گونه‌ای که اعتماد جامعه به نهادهای عمومی را تقویت کند. این اصل شامل اقداماتی است که عبارتند از:

۱. فراهم کردن شرایط دسترسی به اطلاعات بخش دولتی بنا بر خواست و ابتکار مقام‌های مربوط؛
۲. فراهم کردن دسترسی به اطلاعات بخش دولتی بنا به درخواست مردم؛
۳. مشارکت دادن مردم از طریق استماع، ملاقات‌های عمومی و نظیر آن؛
۴. مشارکت دادن عموم در تدوین و اجرای سیاست‌ها از طریق حضور در هیئت‌ها و گروه‌های مربوط.

۱. حبیب‌نژاد، سید احمد و مرضیه سلمانی، «الگوی شایسته فقرزدایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مفهوم آزادی مسئولانه»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۸، شماره ۲۰، ص ۷.

مشارکت، ابزاری مهم برای جمع‌آوری دانش تخصصی و اطمینان‌یابی از وضع مقررات پاسخ‌گوست. با فراهم آوردن فرصت اظهار نظر برای طرف‌های ذی‌نفع در خصوص گزینه‌های مختلف، این امکان به وجود می‌آید که سیاست‌های دولت مطابق با خواسته‌های طرفین ذی‌نفع باشد و نه تنها باعث افزایش اجماع می‌شود، بلکه پای‌بندی به گزینه نهایی انتخاب‌شده را نیز افزایش می‌دهد. از این رو، مشارکت با افزایش کیفیت مقررہ‌گذاری و پذیرش بیش‌تر نتیجه آن، نقش مهمی در مشروعیت بخشیدن ایفا می‌کند.^۱

یکی از ابعاد حمایت از شهروندان در نظام اداری، مشارکت دادن ایشان در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز است. این امر، احساس مشارکت را در مخاطبان تصمیم‌های اداره بالا می‌برد و به مشروعیت‌بخشی و پذیرش این تصمیم‌ها در جامعه کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

امروزه پس از گذشت دو دهه از طرح دکترین «مسئولیت حمایت» و رسمیت یافتن آن در سند اجلاس سران دولت‌های جهان در سال ۲۰۰۵، تردیدی وجود ندارد که جامعه بین‌المللی این نظریه را به عنوان یک هنجار بین‌المللی پذیرفته است، به این امید که با تبعیت از آن، به تدریج، کشورها، «مسئولیت حمایت» را یک الزام حقوقی تلقی کنند تا از طریق آن بتوان وقوع مجدد فجایع انسانی را به حداقل رساند. دکترین «مسئولیت حمایت»، نگرشی جدید به موضوعات چالش‌برانگیز «مداخله بشردوستانه»؛ یعنی مسئله حاکمیت، اصل عدم مداخله و منع توسل به زور دارد و ضمن احترام به این مفاهیم، توجه جامعه جهانی را از دولت‌ها، به سمت قربانیان اصلی مخاصمات جلب می‌کند. امروزه دیگر دولت‌ها بر «حقوق مداخله» تأکید نمی‌کنند، بلکه ادبیات آن‌ها به «تعهد و مسئولیت» تبدیل شده است. با این حال، حوادث ناگواری که ظرف چند سال اخیر در جهان اتفاق افتاده، این واقعیت را آشکار ساخته است که امنیت فقط با ساخت و پرداخت مفاهیم ایجاد نمی‌شود. نظام ملل متحد با آن که در مفهوم‌سازی، حرکتی رو به جلو داشته، اما در عمل و در مبارزه با اشکال جدید تروریسم، جنگ‌های داخلی و معضلات فراوان دیگر بسیار کند و ناتوان عمل کرده است. مسئولیت حمایت، دربرگیرنده آرمان حمایت جهانی از حقوق بشر به عنوان «آن‌چه باید باشد» است، ولی

۱. بیدار، زهرا، «تأملی بر جایگاه و آثار اصل گشایش در حقوق اداری مدرن»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۴۰۰، دوره نهم، شماره ۲۹، ص ۲۰.

اجرای آن در جهان واقعی، متأثر از اراده دولت‌هاست و همواره با خطر «ذهنیت‌گرایی یا تفسیر به رأی» مواجه خواهد بود. ساختار حقوق بین‌الملل به گونه‌ای است که مجریان آن، دولت‌های حاکم هستند و اختلاف نظرهایی که دولت‌ها در میزان تعهداتشان به «مسئولیت حمایت» دارند، در عمل منجر به اجرای نادقیق این نظریه و ناکارآمدی آن برای حل بحران‌های انسانی شده است.

به نظر می‌رسد که قالب مفهوم دکترین «مسئولیت حمایت»، نظیر همان گفتمان «مظلوم‌محوری» انقلاب اسلامی است که به پیروی از احکام الهی، در نظام حقوقی (قانون اساسی) جمهوری اسلامی ایران با عنوان اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان» تبلور یافته است. بر اساس مبانی دین اسلام، به استناد ادله نقلی و عقلی، حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان، وظیفه دولت اسلامی است که طیف وسیعی از رفتارها و اقدامات را شامل می‌شود که نقطه آغازین آن می‌تواند یک ابراز نگرانی ساده و واکنش شدید آن، جهاد مسلحانه (اقدام نظامی) باشد.

از نظر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دایره شمول اصل «حمایت از ستم‌دیدگان جهان» از نظر ویژگی مردمی که هدف حمایتند و نوع حمایت، نسبت به دامنه و حدود دکترین «مسئولیت حمایت»، متفاوت و در مواردی، گسترده‌تر است. اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان»، حمایت از انسان‌ها را فقط به حمایت در مقابل جرایم «نسل‌زدایی، جنایت جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایت علیه بشریت» محدود نکرده، بلکه ممکن است یک نقض ساده حقوق بشری، در دایره شمول این اصل قرار گیرد. از نظر دکترین «مسئولیت حمایت»، همه ابنای بشر بدون توجه به ملیت و مذهب آن‌ها، هدف حمایت هستند. به نظر می‌رسد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مسلمانان ستم‌دیده، مقدم بر دیگران است. از این رو، اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان» را در هر یک از ابعاد مسئولیت؛ «پیش‌گیری، واکنش و بازسازی» و اجرای آن را در هر یک از اشکال مداخله، یعنی «سیاسی، اقتصادی و نظامی» باید به صورت جداگانه، سنجش و تفسیر کرد. به نظر می‌رسد که دکترین «مسئولیت حمایت» از یک سازوکار بین‌المللی برخوردار است، اما اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان» که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، سازوکار مشخصی برای اجرا ندارد و همین امر می‌تواند به ناکارآمدی آن بیانجامد. محیط اجرای اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان»، نظام بین‌المللی است و اجرای

این اصل با موانع و محدودیت‌هایی روبه‌روست. از مهم‌ترین چالش‌های مفهومی و اجرایی اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان»، تعارض این اصل با اصل «حاکمیت دولت‌ها» و اصل «عدم مداخله» است؛ زیرا بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل معاصر، مداخله نظامی یک‌جانبه در دیگر کشورها، بدون مجوز شورای امنیت ممنوع است. از این رو، در نظام بین‌الملل معاصر، دولت جمهوری اسلامی ایران برای اجرای اصل «حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان»، نیازمند استناد به معیارهای انسانی جهان‌شمول و قابل‌رصد در اسناد حقوق بشری است. از سوی دیگر، اجرای اصل «حمایت از مستضعفان جهان»، مستلزم برخورداری از امکانات خاص از قبیل ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و توان نظامی است که فراهم آمدن این شرایط، تنها با همکاری مؤثر جامعه بین‌المللی میسر خواهد شد.

به نظر می‌رسد که اگر مفاهیم و اهداف دکترین «مسئولیت حمایت» با مفاهیم مشابه آن در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، بدون پیش‌داوری غیر واقع‌بینانه و با توجه به واقعیت‌های دنیای معاصر، سنجش و تفسیر شود، از ظرفیت‌های آن برای کارآمدی حکومت در حمایت از شهروندان خود و نیز حمایت از دیگر افراد ستم‌دیده در اقصی نقاط جهان به ویژه مسلمانان می‌توان بهره‌گرفت.

فهرست منابع

۱. کتاب

۱. اسدی، مسلم، چگونگی رعایت اصل برابری و ممنوعیت تبعیض ناروا در حقوق اداری ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۹۱.
۲. امامی، محمد و کوروش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۳۸۹.
۳. حقیقت، سید صادق، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۹.
۴. عالم تبریز، اکبر و همکاران، طرح ارتقا و کرامت مردم در نظام اداری، تهران: دفتر آموزش و پژوهش استانداری، ۱۳۸۷.
۵. عباسی، بیژن، حقوق اداری، تهران: دادگستر، ۱۳۸۹.
۶. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر اول)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۷. کارولین برو، سوزان، آغاز تغییر گفتمان مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل، ترجمه: محمدرضا حسینی و صادق جعفرزاده دارابی، تهران: دانشگاه دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۷.
۸. مرکز مالگیری، احمد، حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.

۲. مقاله

۱. اصغری شورشانی، محمدرضا و محمدامین ابریشمی‌راد، «بررسی تطبیقی نظریه مسئولیت حمایت از منظر حقوق اسلام و غرب»، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، ۱۴۰۱، سال یازدهم، شماره ۲۱.
۲. امامی، محمد و حمید شاکری، «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، ۱۳۹۴، شماره ۲.
۳. آل سید غفور، سید محسن و آلیس طالقانی‌زاده، «اهمیت عنصر برابری فرصت‌ها در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، مجله اسلام و علوم اجتماعی، ۱۴۰۰، شماره ۲۵.
۴. بیدار، زهرا، «تأملی بر جایگاه و آثار اصل گشایش در حقوق اداری مدرن»، فصل‌نامه حقوق

اداری، ۱۴۰۰، دوره نهم، شماره ۲۹.

۵. تاری وردی، صادق و محمدعلی فلاحزاده، «نقش رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در توسعه اصول حقوق اداری از منظر حقوق بشر»، فصل نامه حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق بشر و شهروندی، ۱۳۹۹.

۶. جاوید، محمدجواد و عقیل محمدی، «ارزیابی قابلیت اجرایی اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حقوق بین الملل معاصر»، فصل نامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۵، دوره چهل و ششم، شماره ۱.

۷. حبیبزاده، توکل و علی اصغر فرج پور اصل مردی، «کرامت انسانی و ابتنای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن»، مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۵، دوره ۴۶.

۸. حبیبزاده، توکل، «جهاد در مسئولیت به مفهوم اصل حمایت»، مجله حقوق عمومی، ۱۳۹۵، سال اول، شماره ۱.

۹. حبیبزاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی نژاد، «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱۳۹۵، دوره یازدهم، شماره ۵۴.

۱۰. حبیب نژاد، سید احمد و مرضیه سلمانی، «الگوی شایسته فقرزدایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مفهوم آزادی مسئولانه»، فصل نامه حقوق اداری، ۱۳۹۸، شماره ۲۰.

۱۱. حبیب نژاد، سید احمد و مرضیه سلمانی، «نسبت سنجی نظریه دولت رفاه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فقرزدایی»، فصل نامه پژوهش های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۹، سال دوم، شماره ۵.

۱۲. خانی والی زاده، سعید، «بررسی ارتباط رعایت حقوق دفاعی افراد و کرامت انسانی افراد در حقوق اداری ایران و فرانسه»، فصل نامه حقوق اداری، ۱۳۹۷، سال پنجم، شماره ۱۴.

۱۳. دعاگو، حسین و سید محمد هاشمی، «جایگاه حقوق شهروندی کرامت مدار در دکترین مسئولیت حمایت در پرتو حقوق بین الملل»، پژوهش های اخلاقی، ۱۳۹۸، سال نهم، شماره ۴.

۱۴. زارعی، محمدحسین و مجید نجارزاده هنجنی، «مفهوم خدمات عمومی و تحول آن در پرتو دکترین کارکرد عمومی»، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۶، سال نوزدهم، شماره ۵۶.

۱۵. زمانی، سید قاسم و سورنا زمانیان، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران روسیه»،

- فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۵، دوره چهل و ششم، شماره ۳.
۱۶. عبداللهی، محسن و شقایق اعطاسی، «مسئولیت حمایت در آینه عمل: تحلیلی تطبیقی. فازی اجرای مسئولیت حمایت»، سال‌نامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ۱۴۰۰، شماره ۷.
۱۷. عسکری، یدالله، «مقارنه‌گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی اخلاقی مسئولیت حمایت»، دو فصل‌نامه علمی و پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۴، سال پنجم، شماره ۱۱.
۱۸. فلسفی، هدایت‌الله، «شورای امنیت سازمان ملل متحد در برزخ میان ضرورت «اقدام مؤثر» و لزوم تعریف و رعایت «حکومت قانون»»، سال‌نامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ۱۴۰۰، شماره ۷.
۱۹. گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر و نیک‌زاد مرادی، «برابری در استفاده از خدمات عمومی در آرای دیوان عدالت اداری»، مجله حقوق اداری، ۱۳۹۳، سال دوم، شماره ۵.
۲۰. محمد جلالی، فروغ حیدری، «اصل برابری ورود به خدمات عمومی در پرتو آرای دیوان عدالت اداری»، فصلنامه رأی دوره سوم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۸)، ص ۴۸.
۲۱. محمدی، عقیل و مهرداد حلال‌خور، «دکترین مسئولیت حمایت: شکاف میان انتظارات و واقعیت‌ها»، فصل‌نامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره پنجاه و سوم، شماره ۱۴.
۲۲. ناصحی، میثم و همکاران، «مسئله‌یابی اصل برابری در توزیع خدمات شهری در رویه قضایی (مورد مطالعه: آرای دیوان عدالت اداری)»، مجله توسعه پایدار محیط جغرافیایی، ۱۴۰۱، دوره چهارم، شماره ۴.
۲۳. نجف‌پور، شعبان و علی‌رضا داداش‌زاده، «کرامت انسانی، نظام اداری و سرمایه اجتماعی»، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد، ۱۳۹۴، سال هشتم، شماره ۷۳.
۲۴. نجفی‌اسفاد، مرتضی، «بررسی حقوقی دکترین «مسئولیت حمایت» در حقوق بین‌الملل»، در: جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌المللی در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات در تجلیل دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی)، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۲.
۲۵. ویژه، محمدرضا و مرتضی نجابت‌خواه، «تحلیل مفهوم تبعیض ناروا با تأکید بر رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۷.
۲۶. ویژه، محمدرضا، «تضمین و حمایت از حق‌های مکتسب در حقوق اداری ایران و رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۴۰۰، سال هشتم، شماره ۲۶.

The position of the concept of the doctrine of “responsibility to protect” in the principles and foundations of the legal system of the Islamic Republic of Iran with an emphasis on administrative law

Karim Mohammadi¹

Heybatollah Najandimanesh²

Soudeh Shamlou³

Abstract

“Responsibility to support” is a newly emerging rule that was created at the beginning of the 21st century following the evolution of concepts such as sovereignty, the principle of non-intervention and humanitarian intervention, and according to this, the main responsibility to protect civilians against genocide, crimes War, crimes against humanity and ethnic cleansing are the responsibility of governments. The purpose of this research, which is based on a descriptive-analytical method, is to raise the question, what is the position of the concept of the doctrine of “responsibility to support” in the foundations of the legal system of the Islamic Republic of Iran? In this research, from the point of view of changing the discourse of the concept of “humanitarian intervention” to “responsibility to protect” in international law, we first evaluate the legitimacy of the doctrine of “responsibility to protect” and then discuss its position in the principles and foundations of the legal system of the Islamic Republic of Iran. Also, the principle of protection has an internal dimension, according to which protection of people in various aspects is considered one of the tasks of the government, and according to this, this dimension is also significant in administrative law. The results of this research show that the application of the principle of protection in the domestic and international dimension, according to the constitution as the highest legal document of the country, is one of the duties of the government of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: humanitarian intervention, responsibility to support, international community, oppressed people of the world, administrative law.

1. Phd Student of International Law, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Karim.mohammadi71@gmail.com

2. Assistant Professor of International Law, Department of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), hnajandimanesh@gmail.com

3. Assistant Professor of International Law, Department of Law and Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Sou.shamlou@gmail.com